

روایت شهرآرا از تکدیگری که این شب ها در حال افزایش است

درآمد ۲ میلیونی در ۲ ساعت!

محمد رضا فیضی

گزارش روز

یکی از اقوام نزدیکتان که اتفاقا خیلی هم با او رودربایستی دارید، از شهر دیگری به مشهد آمده و میهمان شماست. تصمیم می گیرید او را برای زیارت یا بازار همراهی کنید. پشت چراغ راهنما که می رسید، با چند کودک سمج بازی که طفلی را به پشتش بسته است، روبه رو می شوید. غم و اندوه زیادی در چهره شان نمایان است. با شگرد های گوناگونی دلتان را می لرزانند و از شما کمک می خواهند. آن هنگام چه حالی به شما دست می دهد؟ دیدن آن میهمان به شهر چه تغییری می کند؟ برای حذف این آسیب در جامعه چه باید کرد و...؟ این روزها در آستانه نوروز، شبانه سوری به سطح شهر زدیم و خورده روایت هایی از متکدیان را برایشان آماده کرده ایم که در ادامه می خوانید.



درآمد زیاد بازحمت کم

راپایین می دهد، خوش و بشی می کند و در همان حین داخل کیفش را برانداز می کند و دو قطعه اسکناس ده هزار تومانی به پسرک می دهد. پسر لبخندی روی لبش می نشیند و چراغ سبز می شود. پسر خودش را به آیلند میانی بولوار می رساند. دستش را به جیب می برد، پول هایش را مرتب می کند و داخل جیبش می گذارد و دوباره چراغ قرمز می شود و ادامه ماجرا...

می خواهم کمی با او حرف بزنم، اما روی خوش نشانمان نمی دهد. خودش را به آن سوی چهارراه می رساند تا دست از سرش برداریم. به سراغ کسبه می رویم. یکی از آن ها اذعان می کند که همکارش آمار ریز و درشت این کودک را دارد. مغازه اش را به شاگردش می سپارد و ما راپیش همکارش که سه مغازه را این طرف تر است، می برد. آقای کاسب وقتی ماجرای گزارش را متوجه می شود، با کنایه حرفش را این طور بیان می کند: «این تقاطع سرفقلی سهیل و سه پسر عمه قدونیم قدش است. معمولا هرشب، به خصوص پنجشنبه ها گروهی به اینجا می آیند و هر کدامشان قسمتی از چهارراه می ایستند

و به بهانه تمیز کردن شیشه، گدایی می کنند.» او در ادامه شرحی از زندگی این چند نوجوان می دهد و می گوید: «پدر سهیل موتورسیکلت سه چرخ دارد و کارش جمع آوری ضایعات است. معمولا بچه ها را طرف صبح برای جمع آوری ضایعات با خودش می برد. شب ها از ساعت ۲۰ به بعد که خبری از جمع آوری متکدیان نیست، سر همین چهارراه از راه های مختلفی (یک شب شیشه پاک می کنند، یک شب اسپند دود می کنند) پول به جیب می زنند. اینکه می گویم پول به جیب می زنند، حرفم بی راه نیست.»

آقای کاسب دست روی درآمد این چند نونهال و نوجوان می گذارد و می گوید: «راه دوری نرویم. نمونه حی و حاضرش همین شب ولادت امام حسین^(ع) بود. مسیر طبرسی به حرم شلوغ بود. البته شب های دیگر سال نیز همین طور است. این شب خیلی از زائران و مجاوران برای تشریف به حرم، از این مسیر عبور می کنند. سروکله سهیل و پسر عمه هایش نزدیک ساعت ۱۹ پیدا شد. به محض اینکه چراغ قرمز می شد، هر چهار نفرشان به سمت خودروهای

لوکس و مدل بالا هجوم می بردند و پای پیچ راننده ها می شدند و تا راننده سر کیسه راشل نمی کرد، دست از سرش بر نمی داشتند. تنها راه خلاص شدن راننده یا کمک کردن یا سبزشدن چراغ بود. آن شب کارشان تا حدود ساعت ۱۰ شب ادامه داشت. همه شان آخر کار جلو مغازه من جمع شدند تا پول هایشان را سرجمع و بعد بین هم عادلانه تقسیم کنند. آن شب درآمدشان یک میلیون و نهصد و خرده ای شد، یعنی هرنفر حدود ۵۰۰ هزار تومان!»

او حرف هایش را این طور به پایان می رساند: «تا زمانی که این چند نوجوان پول را به این راحتی به دست آورد، این کار کاذب برایشان لذت بخش است و هر شب با انگیزه بیشتری ادامه می دهند. مردم باید کمک های خیر خواهانه شان هدفمند باشد. گروه های جهادی و خیریه های زیادی در شهر مان فعالیت می کنند. می تواند هدیه ها و نذوراتشان را به این گروه ها برسانند تا به نیازمند واقعی برسد. با این کار تکدیگری و مزاحمت های خیابانی این کودکان به مرور حذف می شود و شهر زائر پذیر امام رضا^(ع) هم چهره ناخوشایندی نخواهد داشت.»

تا چراغ راهنما قرمز می شود، سریع به سراغ خودروهای می رود. در یک دستش افشانه با محلول آب خالص دارد و دست دیگرش تکه پارچه ای رنگارنگ از یک لباس کهنه. فرز به نظر می رسد. با جثه نحیفش خودش را به پر اید ۱۳۲ می رساند. روی پنجه پایش می ایستد و به سختی شیشه را دستمال می کشد. راننده تا می بیند، حواسش را به سمت شاگرد پرت می کند. دست بردار نیست. راننده کمی کلاچ را شل می کند. خودرو جلوتر می رود. زمانش کم است. تا می فهمد که چیزی عایدش نمی شود، به سراغ خودرو بعدی می رود. از بین آن همه خودرو، ال ۹۰ سفید را انتخاب می کند. راننده که انگار ماشینش را تازه شسته است، سریع شیشه را پایین می کشد. اسکناس پنج هزار تومانی را کف دست کودک می گذارد و از او می خواهد به شیشه های ماشینش دست نزند.

به سراغ تینیا ۲ هاج بک می رود. سرنشین های این خودرو زوج جوانی هستند. سریع خودش را به شیشه سمت شاگرد می رساند، درست جایی که خانم نشسته است. با همان دستمال تم دارش به سر و روی شیشه دستی می کشد. خانم شیشه

پولی هایی که دود می شود

نزدیک ساعت ۱۸ حاشیه مصلای جوانی نشسته است. سیگارش را چاق کرده و به دیوار تکیه داده است تا نفسی تازه کند. اسباب کارش قوطی رب خالی، یک متر سیم مفتول، کمی زغال، کارتن، و ته کیسه ای اسپند است. موهای ژولیده و چهره رنگ و رو رفته اش داد می زند که مصرف کننده است. آن هم صنعتی! سیگار اول را می کشد. دومی را هم پشت بند روشن می کند و کنار لبش می گذارد و بلند می شود. یک پایش را به زمین می کشد، سیم را می چرخاند و مشت می اسپند داخل قوطی می ریزد. دود غلیظی به آسمان بلند می شود. مغازه های پلاستیک فروشی را یکی پس از دیگری می رود. بعضی کسبه مبلغی کمک می کنند و بعضی هم روی خوش نشان نمی دهند و از او می خواهند که سریع از آنجا برود تا مغازه را دود از جا برنداشته است. چند کوچه را پشت سرش می روم. از بین حدود چهل مغازه، هفده کاسب میلیی را به او کمک می کنند. در بین راه هم دود و اسپندش را به ایستگاه اتوبوس می برد و بین مردم دور می دهد و مدام می خواهد که کمکش کنند. چهار نفر به او کمک می کنند. درآمدش بد به نظر نمی رسد. کمتر از یک ساعت بیش از ۱۰۰ هزار تومان دشت کرده است. چه کار راحت تری از این؟!

مصلای ۱۵ است. وقتی این متکدی را می بیند، او را پس می زند. خدم درست از کار در می آید. او این متکدی را می شناسد. طبق گفته مصطفی، نزدیک سه سال می شود که کار این متکدی در این محدوده همین اسپند دود کردن و گدایی است. او می گوید: «این آقا شیشه مصرف می کند. خودم بارها در بوستان انتهای همین مصلای ۱۵ دیده ام که با خمار است یا مواد مصرف می کند. او هرشب به اندازه ای گدایی می کند که پول موادش تأمین شود. به محض اینکه ۲۰۰ هزار تومان جمع کند، موادش را می خرد و دود می کند.» او مردم به خصوص کسبه را مقصر حضور این متکدی در محیط جامعه برای تکدیگری می داند و می گوید: «فرد معتاد از دور قیافه اش داد می زند! همه می دانند که این آقا معتاد است، ولی نمی دانم با چه نیتی به او کمک می کنند! هرشب همین موقع ها سروکله اش پیدا می شود و با سوء استفاده از احساسات مردم، کارش را تکرار و کسب درآمد می کند. تا دلتان بخواهد، امروزه شیوه های تکدیگری افزایش داشته است. گاهی خانمی را می بینم که برای خرید دارو از مردم کمک می خواهد. مردم هم به همین نیت کمک می کنند، در صورتی که پشت پرده اصلا دارو و درمانی در کار نیست. می داند چطور باید احساسات مردم را به بازی بگیرد.»

تکلیف مادر برابر متکدیان

این روزها و شب ها که در آستانه عید نوروز قرار داریم، آمار متکدیان بیش از پیش می شود. گدایی را چطور می شود از میان برداشت یا دست کم تعداد متکدیان را کاهش داد؟

رویکرد کنونی مدیریت شهری حذف یا جمع آوری سخت افزاری متکدیان است. این رویکرد هزینه های زیادی روی دستشان می گذارد و ثابت شده است که اثری ندارد. چون تازمانی که کمک کنندگان داوطلبانه به گدایان کمک کنند، حتی در صورت حذف یا جمع آوری متکدیان کنونی، افرادی با خالی دیدن عرصه از حضور رقیبان، دست به گدایی می زنند. چنان که اکنون در شهرمان می توان این گدایان را در تقاطع های شهر دید. تجربه نشان داده است که این گدایان را نمی توان به مدت طولانی نگاه داشت. یکی دو شب آن ها رانگه می دارند، سپس به ناچار آن ها را راه می کنند و چون درآمد زیاد و راحت زیر زبان شان مزه کرده است، دوباره روز و روزی از نو آغاز خواهد شد.

جامعه شناسان معتقدند که بهترین رویکرد برای حذف تکدیگری، از طریق



گفت و گو

در گفت و گو با معاون اجتماعی سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد بیان شد هزینه جمع آوری هر متکدی برای شهر ۱۶۰۰۰۰۰ تومان!



روزانه نگار

شگفتانه های متکدیان شهرمان یکی دو تا نیست، همین ها که پشت چراغ قرمز چهارراه ها یا در پیاده روها به سراغ رانندگان و عابران می آیند. باترفندهای گوناگون دلی را می لرزانند و مبلغی را به جیب می زنند. از پول های گراف برخی از این فقیرنماها هنگام دستگیری که بگذریم، از هزینه های هنگفتی که جمع آوری شان به شهر تحمیل می کند، نمی شود گذشت. آن طور که معاون اجتماعی و مشارکت های سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد می گوید بعضی از آن ها آن قدر دستگیر و دوباره در جامعه رها شده اند که دیگر می دانند به طور مثال برنامه غذایی میزبانانشان در خانه سبز شهرداری مشهد به تفکیک روزهای هفته از چه قرار است. بهانه گفت وگوی ما با مهدی ابراهیمی، بررسی شبانه تعدادی از خیابان های شهر و مشاهده حضور متکدیان است.

- گشت جمع آوری متکدیان، شب ها تعطیل است؟
- بستگی دارد به فصل و شرایط. در وضع معمول که شب ها متکدی کم داریم، فعالیتیمان شبانه روزی نیست و بیشتر جمع آوری در شب ها را نیروی انتظامی انجام می دهد. به بیان دیگر، شب ها بیشتر با معتادان متجاهر مواجهیم که جمع آوری شان با ما نیست، اما در ایام خاص مثل نوروز به صورت سه شیفت فعال هستیم. ما الگوی جمع آوری را فصل به فصل تغییر می دهیم، به رفتار متکدیان بستگی دارد.
- انگار که متکدیان هم می دانند که شب ها محدودیت کمتری دارند. به همین دلیل حضورشان در شب ها پررنگ تر به نظر می رسد.
- آمار دارید؟
- مشاهدات میدانی مان این طور نشان می دهد.
- بررسی های ما صحبت شما را تأیید نمی کند و از کاهش حضور متکدیان حکایت دارد، هم شب و هم روز، نسبت به چند ماه پیش عرض می کنم.
- به نظر می رسد با همه تلاش ها، جمع آوری متکدیان دچار یک دور باطل شده است. قبول دارید؟
- بله، همین طور است. چون همه دستگاه ها وظایفشان را انجام نمی دهند.
- بررسی کرده اید که چند درصد از متکدیان جمع آوری شده قبلا نیز به همین جرم جمع آوری شده اند؟ به بیان دیگر، بار اولی نیستند.
- متکدیانی که جمع آوری می شوند و به خانه سبز می آیند، صد درصدشان تکراری اند، آن قدر که برخی از آن ها حتی برنامه غذایی خانه سبز را می دانند.
- کدام دستگاه ها باید برای تبدیل مشهد به کلان شهری بدون گدا همکاری کنند؟
- بهزیستی، اداره کار، کمیته امداد، بیمارستان ها، دانشگاه علوم پزشکی و... و همکارانی که؟

- نه. نمی توانند، یا بودجه ندارند یا با محدودیت هایی مواجه اند. سخت گیری مقام قضایی هم شرط است. جمع آوری متکدیان وظیفه شهرداری با همکاری نیروی انتظامی است. اگر این کار را هم نکنیم و طرف مدتی بیاید خانه سبز، طبق قانون نمی توانیم از حدی بیشتر او را نگه داریم. چون حکم حبس نداریم. قانون می گوید کسی که مکرر تکدیگری کند، باید به زندان معرفی شود. تشخیص این قضیه و صدور حکم آن با شهرداری نیست.
- حدود دو سال پیش، فرماندار وقت مشهد گفت که باید از جمع آوری صرف متکدیان به سمت سامان دهی آن ها برویم. به نظر می رسد چنین اتفاقی نیفتاده است.
- بله. قانون در این ارتباط گفته است «جمع آوری و سامان دهی متکدیان»، اما کاری که الان انجام نمی شود، سامان دهی است.
- الان دقیقا پس از هداایت متکدی به داخل خودرو گشت، چه اتفاقی می افتد؟
- اگر کودک باشد، به بهزیستی منتقل می شود. اگر بزرگ سال باشد، می رود خانه سبز. در صورتی که آزمایش اعتیادش مثبت باشد که در ۹۰ درصد مواقع همین طور است، به کمک معرفی می شود.
- اگر معتاد نباشد، یک تاسه ماه در خانه سبز نگهداری می شود. بعد دوباره می آید بیرون و تکرار همین چرخه.
- جمع آوری هر متکدی چقدر هزینه دارد؟

- هزینه جمع آوری به ازای هر متکدی از سر چهارراه تا خانه سبز، برای شهر یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان است. این پول دارد دود می شود و اثری هم ندارد.
- برای اینکه بار این هزینه از دوش شهر کاسته شود، چه کمکی از مردم برمی آید؟
- اگر بررسی کنید، می بینید که از نظر دینی، کمک کردن به متکدیان حرفه ای نهی شده است و گناهت دارد. ضمن اینکه ما دنبال برنامه ای جایگزین هستیم تا شهروندانی که می خواهند به متکدیان کمک کنند، به یک مرکز نیکوکاری اختصاصی و ارایز داشته باشند تا این کمک ها صرف متکدیانی شود که واقعا نیازمند هستند. حدود یک هفته دیگر، جزئیات این رونمایی را که اولین بار در کشور، در مشهد صورت می گیرد، با مردم در میان می گذاریم. واقعیت این است که برای جمع شدن بساط تکدیگری از شهر، نقش اساسی با مردم است.
- چرا این طور می گوید؟
- چون اگر مردم کمک نکنند، متکدیانی که بیشترشان هم معتادان متجاهر هستند، سر چهارراه ها جمع نمی شوند. برخی از واقعیت های تکدیگری این هایی است که عرض می کنم؛ اینکه ما گاهی از جیب متکدیان مبالغی در حد ۷۰۰ هزار و حتی یک میلیون تومان صورت جلسه می کنیم. همین طور پول های خارجی می بینیم که نشان می دهد متکدیان مسیرهای حضور و تردد زائران غیر ایرانی را شناسایی کرده اند.
- اگر واقعا نیازمند باشد، چه؟

- پس از جمع آوری از چهارراه ها، نیاز هایشان بررسی می شود. مثلا اگر لازم باشد، به بیمارستان معرفی می شوند. اگر شهرستانی باشند، برایشان بلیت برگشت تهیه می شود و....
- از گشت های نوروزی جمع آوری متکدیان چه خبر؟ زوار جسته و گریخته در حال ورود به شهر هستند.
- از پانزدهم اسفند با پانزده خودرو و ون به صورت شبانه روزی فعالیت می کنیم، تا انتهای فروردین ۱۴۰۲.
- به نظر خودتان برای کلان شهر مشهد، حداکثر پانزده خودرو گشت کافی است؟
- بله. به چند دلیل، اول اینکه همه چهارراه ها متکدی ندارد. فقط چهارراه هایی برای متکدیان جذاب است که توقف خودروها پشت چراغ قرمز زمان بر باشد. دوم اینکه برخی متکدیان در پیاده روها راه می افتند و گدایی می کنند. شناسایی و گزارش این ها از مردم برمی آید، نه خودروهای گشت. سوم اینکه جمع آوری متکدیان در اطراف حرم مطهر به کلاترری ثامن و جمع آوری متکدیانی که معتاد متجاهر هستند، به پلیس مبارزه با مواد مخدر و اگذار شده است.
- شناسایی متکدیان را چطور انجام می دهید؟
- از طریق گزارش های مردمی به سامانه ۱۳۷. گشت های منطقه ای نیروهای خودمان و الگوهای حضور متکدیان که از پیش شناسایی کردیم. روش های دیگری هم هست که به دلیل محرمانگی اجازه به دهید رسانه ای نکنیم.
- وضعیت آخر؟
- جمع آوری متکدیان فقط نقش ناامن سازی محیط را برایشان دارد، اما حذف تکدیگری راباعت نمی شود. نقش اصلی با مردم است. مردم به جای کمک به متکدیان، به مراکز خیریه اعتماد کنند و این مراکز هم اعتماد مردم را جلب کنند.